

کاین دم شیر است به بازی مگیر !

صلح داعشی با آچار پاکستانی !

پیوسته به گذشته قسمت شصتم :



محمد امین فروتن

اعتماد

مانند یک کاغذ است  
وقتی پاره شد دیگر  
نمی تواند به حالت  
اولش برگردد.

ژان پل سارتر

هرچند قصد نداریم به هیچ دلیل و علتی مبحث منطوقی ساختن بحران افغانستان را که از دیربدا بدینسو برخی از قدرتهای منطقه با استدلال های معیوب خویش ارابه ای از این واگون شکسته را که با یاری مغزشبه روشنفکران و تحلیل گران روز مزد بگیر!! و "کاسه داغ تر از آتش" افغانستان و برخی از راه بلدان آنسوی مرزها گریسکاری میکنند به تأخیر اندازیم اما هستند وقائع و حوادث تاریخی ای که وقتی در تیاتر سرزمین ما به نمائش گذشته میشوند به دلیل اشتراک مفردات و مستندات مشترک با محتوای موضوع مورد بحث مان ناگزیر آن را پیگیری نموده و در پرتو اطلاعات خویش آنرا تحت مطالعه و بررسی همه جانبه قرار دهیم . اما از همه اول میخواهم به این نکته توجه شما عزیزان را جلب کنم و بدانیم که مبانی تیوریک ولایت مداران جامعه ما که در نهاد مافیائی موسوم به « دولت وحدت ملی افغانستان » با نسخه وشعار ترقی و پیشرفت عمومی بویژه اقتصادی این سرزمین به میدان آمده اند کدام است ؟ زیرا کاملاً بی معنی خواهد بود که قبل از شناخت جوهر اصلی تفکر حاکمی که درشریان های این دولت

مافیائی همچون خون فواره میزند و جاری است و راه و روش و ایدئولوژی و اخلاقی و احکامی برای رهبری و مدیریت جامعه و جنگزده مردم افغانستان تعیین نموده اند بطور ثابت و در پرتو فورمول معروف «نقل مطابق اصل!» قضاوت کرد.

بدون شک تصویر وجودی انسان، تعریف فلسفی و همچنین حضور و عینیت وی در تاریخ و جامعه همه مؤلفه های اند که قبل از صدور احکام برای شیوه مدیریت سیاسی و اقتصادی در جامعه باید تبیین شوند. اکنون بهتر خواهد بود تا اولویت ها و دید طبقاتی و بینش عمومی جناب اشرف غنی مسؤل "داعشی ساختن افغانستان" و رئیس کنونی دولت فخیمه موسوم به وحدت ملی را که در آستانه برگزاری انتصابات شبیه با انتخابات را بشنویم تا بدانیم که جناب شان برای تعالی و پیشرفت عمومی جامعه دارای چه نقشه و برنامه ای هست؟

<https://www.youtube.com/watch?v=PCNHyoI3JW0>

چنانچه شما عزیزان شاهدید و می بینید حضرت اشرف غنی رئیس اداره وحدت ملی افغانستان میان مردم و جغرافیای افغانستان با اولویت دادن به جغرافیای این کشور اهمیت و اولویت قائل است با صراحت تمام می فرماید که «اهمیت افغانستان از نگاه جغرافیای افغانستان است نه از نگاه مردم افغانستان!!». وقتی این گونه اظهارات روشن و فرمایشات واضح حضرت اشرف غنی احمدزی را میشنوید چه فکر میکنید آیا باز هم سخنان و بیانات سفارشی و مصلحتی حضرت اشرف غنی را که در جایگاه رئیس دولت موسوم به وحدت ملی اینجا و آنجا و با لباس های هم رنگ هر جماعت ایراد می فرماید و حکایت از خیر و بهبود انسان ها و ملت ها را دارند یک فریب سازماندهی شده نه میدانید؟

آیا اظهاراتش در باره افغانستان دارای تاریخ پنج هزار ساله ای که مردم آن "یعنی همان های که در فرآیند اهمیت آن نزد حضرت غنی در جایگاه پس از جغرافیا قرار دارند" با پوست و گوشت از آن دفاع نموده اند مملو از ریأ کاری و دروغی بیش است؟ اینجاست که باید گفت در ذهن عده ای از فعالان سیاسی و اقتصادی مملکت منجمه حضرت اشرف غنی رئیس و نابغه فرمایشی دولت وحدت ملی افغانستان حتی اندیشه های نظام بورژوازی لیبرال نیز بصورت منجمد و سنگواره بدون آنکه زمینه های بومی برای تحقق آن فراهم گردد بصورت کاپی شده و در پرتو باز هم همان فورمول معروف «نقل مطابق اصل!» جای گرفته اند.

لهذا چنین فرآیند مدیریت یک جامعه و ملتی را که با استفاده از چنین نسخه های تاریخ گذشته، هر روز و هر لحظه ای با اجندای به ظاهر بسیار مترقی و پیشرفته به سوی عقب در حرکت است. در نخستین نگاه و در فلسفه انسان شناسی که جلالتمآب اشرف غنی خود را از متخصصان ممتاز این رشته و این حوزه ای از علوم می خواند، مفهوم زندگی از معنای واقعی تهی میشود و فعالان سیاسی و روشنفکران فرمایشی وابسته به این اندیشه مسؤلیت و رهبری جامعه عقب مانده ای چون افغانستان را به دیکتاتورهای بومی و محلی واگذار میکنند. البته باید گفت که بزرگترین فاکتور در تعیین عاملها یا تعیین کننده در تحولات اجتماعی و سیاسی خود آگاهی و تکنولوژی است که گاهی و در شرائط خاصی از جامعه حتی زیربنای تولیدی را تشکیل میدهند، اما نه میتوان یک عامل قوی را در نظامهای مختلف بطور ثابت تعیین کرد، بلکه برخلاف افاضات دؤمین متفکر جهان جلالتمآب اشرف غنی در یکی از مراحل تحول اجتماعی جغرافیا عامل تعیین کننده همه چیز است و در جایی دیگر شکل تولید اقتصادی است و در

اکثریتی از جوامع عقب مانده و جنگ زده منجمله افغانستان خود آگاهی و شالوده های فرهنگی و تمدنی در اولویت قرار دارند کاملاً طبیعی است که در این گونه اندیشه های مجعول و مجهول " سیأ " سیون جامعه ما که در میدان منافع " دولت موسوم به وحدت ملی افغانستان !!! " به بازی پرداخته اند با پیروی از اسلاف و گذشته گان شبه مذهبی ودموکرات شان برای رسیدن به قدرت و غنیمت های کاخ "ریأ" ست جمهوری از مواد ومصالحه ای تاریخ گذشته استفاده بعمل آوردند چنانچه در انتخابات اخیر "ریأ" ست جمهوری افغانستان " بویژه در دوردوم" شبه انتخابات" با وضاحت دیدیم و همه خواننده گان عزیز میدانند که شوالیه های مذهبی - رهبران سنتی جامعه ، بازمانده گانی از جنگ سالاران و روشنفکران گلخانه ای همچون زنبوران عسل درگردد هردو جناح قدرت و ثروت یعنی تیم تحوّل و تداوم برهبریی محمد اشرف غنی و تیم اصلاحات و همگرایی برهبرئی عبدالله عبدالله جمع شدند و میدان مبارزات شبه انتخاباتی را با شعار های بلند بالا گرمتر ساختند چنانچه آقای جنرال دوستم یکی از مشهورترین چهره های تاریخ افغانستان همراه با آقای احمد ضیا مسعود میدان انتخابات را چنین گرم ساخته است :

<https://www.youtube.com/watch?v=c72YYmHoZ90#t=48>

از سوی دیگر داستان ستاد انتخاباتی تیم اصلاحات و هم گرایی برهبریی عبدالله عبدالله نیز که در تشکیلات برآمده از بطن نسخه مشترک جان کری وزیر خارجه امریکا و یان کوبیس سابق نمائنده خاص سازمان ملل برای افغانستان بر کرسی ریاست اجرایی دولت وحدت ملی افغانستان تکیه زده است دارای وضعیت مشابهی است چنانچه داکتر عبدالله عبدالله در یک گردهم آئی مشابهی که در کابل تدویر داده بود و برخی از چهره های معروف به فساد و جنگجویی را در پیوستن به تیم اصلاحات و هم گرایی چنین خیرمقدم گفته بود .

<https://www.youtube.com/watch?v=LAsdWb2S4yo>

نتیجه از هم اکنون روشن است تیوری موهوم شبه لیبرال اقتصاد بازار آزاد بر مبنای بینیش و دیدگاه مادی به هستی وتاریخ انسان که به مثابه روح وروان کالبد سُست بنیاد موسوم به « دولت وحدت ملی افغانستان » جاری است نه میتواند برای مردم رنج دیده افغانستان سعادت و پیشرفت توام با عدالت را به ارمغان بیاورد ، و بدون شک دیر یا زود به شکست های فاحشی خواهند انجامید .

## صلح داعشی با آچار پاکستانی !

### رویکرد دیپلماتیک نسبت به فرآیند صلح در افغانستان :

جدای از رویکرد فکری و میناهای مشترک فقهی گفتمان حاکم مذهبی وپدیده شوم تروریزم اگر با رویکرد دیپلماتیک فرآیند صلح در افغانستان بویژه در شرائط کنونی آن بنگریم در خواهیم یافت که با دلایل گوناگون ومحکمه پسندی برخی از فعالان سیاسی و تحلیل گران سفارشی با "مدارک جعلی روشنفکری !!!" دچار هیجانات مصنوعی و کاذبی نسبت به تحقق صلح هرچند معیوب در افغانستان شده ایم . مسخره ترین تحلیلی که در طی چندین دهه شنیده ایم این است که برخی از ما بدون تجزیه وتحلیل مؤقیعت تاریخی و جغرافیای کشور ما افغانستان در منطقه و جهان بر سر میزهای مدور رادیو تلویزیون های بیست وچهار ساعته فرا خوانده میشوند و بحیث تحلیلگران ونوابغ در امور سیاسی و امنیتی شرائط کنونی ای کشورراکه با تأسیس « حکومت وحدت ملی » بهترین زمینه برای اعاده صلح در افغانستان می نامند !!

البته هیچ کسی از این آقایون تحلیلگر نه پرسید که اخیر کدامین تغییر بنیادی در استراتژی کشور همسایه پاکستان بوقوع پیوسته که آنرا بحیث ضامن تحقق صلح در افغانستان حساب می فرمائند ؟



ویاهم کدامین دیپلوماسی فعال دولتمردان دولت وحدت ملی افغانستان و با پشتیبانی چه قدرت و قوتی سبب شده باشد که کشور های همسایه بویژه پاکستان که پروژه انهدام استقلال ملی افغانستان وکشور هندوستان عمق استراتژیک کشور پاکستان را تشکیل میدهند با نگاه اضطراب آور به آن مجبور ساخته شده باشد که به تحقق صلح در کشور ویران شده ما تن دهد ؟ اما خدا را شکر ما در عصری زندگی میکنیم که وقتی پروردگار بزرگ این ذات نزدیکتر از **"ورید"** می بیند که چگونه دغل بازان " سیأ"سی و دلالان خون ملتها و جلادان خونریز تاریخ انسان بنام عدالت و آزادی خون انسانها را میریزاند برای شناخت توطئه های پنهانی مستبدان زورمند و جباران در تاریخ معاصر خود وارد عمل میشود و دسائیس دشمنان انسان و انسانیت را بر ملا میسازد ، تا انسان موحد باشنده هر عصر و هر نسل در مسیر تکاملی تاریخ شالوده های آنرا در نقشه راه ملتها مورد استفاده قرار دهد ، اینجاست که وقتی برخی از مهره های خونخوار وابسته به شبکه های امنیتی با مصلحت منافع استراتژیک پاکستان رنگ عوض میکند و زمانی آنرا به اسم تحریک عربهای افغان که در اوج جهاد مردم افغانستان علیه ارتش سرخ شوروی سابق در نهاد های خدماتی جهادی مقیم پیشاور با مجاهدین یکجاساخته شده بودند و سپس از بطن مجاهدین دسته های موسوم به **تحریک طالبان** بوجود آمد و همان دسته های از عربهای افغان نیز در تشکیلات وسیع جهانی موسوم به **القاعده** البته با حضور چندین شبکه اطلاعاتی امنیتی منطقه مانند شبکه اطلاعات ارتش پاکستان **ISI** ، سازمان امنیت عربستان ، شبکه امنیتی عراق به شمول سازمان مجاهدین خلق ایران که در آنزمان در عراق و در پایگاه اشرف جابجا شده بودند رسماً بنیاد نهاده شد البته نباید فراموش کرد که گفتمان مشترک این همه گروهها و دسته های که از مجاهدین تا داعش برآن عمل میکردند همانا گفتمان بنیادگرای شریعت مدار سلفی بوده که بحیث قرئت حاکم بر بخش زیادی از جهان اسلام از پاکستان تا اندونیزیا و از مراکش تا عربستان در مقطع طولانی تاریخ زندگی مسلمانان حاکمیت داشته است .



### عبدالرحیم مسلم دوست یکی از سران سابق گروه طالبان و امیر کنونی خراسان داعش :

اما ببینیم که چگونه این همه دسته های بنیادگرای متحجر مذهبی که در دوران نه چندان دور بلکه در همین سالهای اخیر بحیث جاده صاف کن عمق استراتژیژیک پاکستان ، عربستان و سایر اقمارین کشورها مورد استفاده قرار می گرفتند و اکنون در جبهه ای دیگری که بنام داعش یا دولت اسلامی برای تحقق اهداف مشترک استراتژیژیک عربستان سعودی ، پاکستان - امارات عربی یا همان کشور های که در بوجود آمدن دسته های از مجاهدین تا طالبان و القاعده نقش داشتند همان طوریکه ماده پلاستیکی را در خمره های گنده وارد میکنند و بعد هر آنچه که بخواهند با یک " رنگ آمیزی مختصر " بیرون آورده و به جامعه عرضه میکنند با چنین روش همان جنگجویان خشونت طلب آموزش دیده سابق را از طویله های استخبارات کشورها بیرون آورده و برنگ دیگری به میدان می فرستند . چنانچه گروهی از همان دسته های تحریک طالبان پاکستانی و افغانی جوقه - جوقه از آموزشگاه های خشونت و تروریزم بیرون آورده میشوند و با خلیفه مجعول و مجهولی برای انهدام فرهنگ معنوی ملتها دست بیعت دراز میکنند .

<https://www.youtube.com/watch?v=4XsDO0IE6rE>

می بینید عزیزان که چگونه این همه جوانان شستشوی مغزی شده برای منافع کشورهای مسلمان نما منطقه به حرکت می آیند ؟ این همان کسانی اند که روزی بنام طالب افغانی و پاکستانی بصورت جدا گانه و با هویت های جداگانه ملی مشغول شغل " پُر ثواب " آدم کشی بودند اما امروز با شستشوی مختصر مغزی و نمائیش مضحک بهشت سازی های پر از " **حور و غلمان** " منتظر برای انتحاریون میگویند که اسلام مرز ندارد و به حکم " **انما المؤمنون اخوة** " مسلمانان برادران همدیگر اند !! لهدا نباید در کشتن گناهکاران و مشرکان هیچگونه اندکترین نگرانی باخود راه دهند ....

**باقی دارد**

\* با اقتباس از آیه و لقد خلقنا الانسان و نعلم ما توسوس به نفسه و نحن اقرب اليه من حبل الوريد. (سوره ق آیه 16) قرآن کریم  
ترجمه : با اینکه ما انسان را آفریدیم و می دانیم چه چیزهایی را دلش وسوسه می کند و ما از رگ گردن به او نزدیکتریم